

۲۰۴۴۱۲۱

غزل عشق

عباس زارع میرک آبادی (غرم)

www.ketab.ir

زارع میرک آبادی، عباس، ۱۳۴۰ -

غزل عشق/عباس زارع میرک آبادی (عزم) تهران: انتشارات بین المللی شمس، ۱۳۹۸.

978-964-6696-10-5

۱۲۸ ص.

Persian poetry -- 20th century

شعر فارسی -- قرن ۱۴

۶۲/۱۸۸

PIR۸۳۴۶

۵۷۷۷۱۱۴

شماره کتابشناسی ملی:

غزل عشق

عباس زارع میرک آبادی (عزم)

چاپ اول، تابستان ۱۳۹۸

چاپ و صحافی کهن، ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۹۶-۱۰-۵

بها ۳۵۰۰۰ تومان

انتشارات بین المللی شمس

تماس: ۴۴۱۷۲۲۷۰

فہرست

- ۱..... گل مہربانی
- ۲..... مہ ناز
- ۳..... طعم خوش
- ۴..... لب بگشتا
- ۵..... غرطہ و غم
- ۶..... عفا و دل
- ۷..... مظهر جان
- ۸..... مسیحا دم تو
- ۹..... حریر دل
- ۱۰..... زہر عشق
- ۱۱..... آفرین صیاد
- ۱۲..... مصلحت اندیشی ام
- ۱۳..... در ہمینجا می رسد
- ۱۴..... میخوارگان
- ۱۵..... سراپی دیدم
- ۱۶..... جوشش می
- ۱۷..... ماہ جبین
- ۱۸..... زمان
- ۱۹..... یار پسندیدہ من
- ۲۰..... دنبال تو

- ۲۱.....مجزون شده بود
- ۲۲.....استاد شدیم
- ۲۳.....فصل عیش
- ۲۴.....خاک در
- ۲۵.....فریبا می کنی
- ۲۶.....مبارک این عید گران
- ۲۷.....شمع شبستان
- ۲۸.....ایمان ما
- ۲۹.....جای قدم هایت ماند
- ۳۰.....طعم شیرین
- ۳۱.....خاک حلال
- ۳۲.....عش
- ۳۳.....بیقرار می جویم
- ۳۴.....آزارم دهد
- ۳۵.....کوزه شکسته
- ۳۶.....خام دلبرم
- ۳۷.....خواب دل
- ۳۸.....جان وجودم عریان
- ۳۹.....سبز سبز
- ۴۰.....نکن شکایت
- ۴۱.....آتش درون
- ۴۲.....گلایه
- ۴۳.....خادمین کعبه
- ۴۴.....نازنین
- ۴۵.....حبیب من

- ۴۶..... شمس عیان
- ۴۷..... افسانه زلف
- ۴۸..... عیش قریب
- ۴۹..... منزلت روی دوست
- ۵۰..... هنگام خزان
- ۵۱..... قصه خوبان
- ۵۲..... نطف دلدار
- ۵۳..... ساز می‌کده
- ۵۴..... غنمی حرا
- ۵۵..... دلبر شرین سخنم
- ۵۶..... صد سال
- ۵۷..... خوش آمد
- ۵۸..... صد مرجا
- ۵۹..... کوی گدایان
- ۶۰..... پیمانه شکستیم
- ۶۱..... دلدار رسید
- ۶۲..... دلبر دیرین
- ۶۳..... هیچ مکوش
- ۶۴..... آشنای دور
- ۶۵..... حلقه آدمیت
- ۶۶..... باغبان زمان
- ۶۷..... صد پرده از ریا
- ۶۸..... یوسف به چاه جفا
- ۶۹..... شور عشق
- ۷۰..... رخ ساقی

- ۷۱..... بی نام و بی نشانه
- ۷۲..... عریان روم به دیدار
- ۷۳..... موج نگاه
- ۷۴..... خیال من
- ۷۵..... شمیم رحمت
- ۷۶..... عشق بلبل
- ۷۷..... رقص برگ
- ۷۸..... عیش مدام
- ۷۹..... بازار عشق
- ۸۰..... کم ز تر
- ۸۱..... دل در
- ۸۲..... میخانه
- ۸۳..... رخسار طرب
- ۸۴..... هجرت گل رخ
- ۸۵..... دل دیوانه
- ۸۶..... عشق
- ۸۷..... رنج من
- ۸۸..... رخسار یار
- ۹۰..... ملامت یار
- ۹۱..... سوگ عشق
- ۹۲..... شرک عارفانه
- ۹۳..... سوزنامه
- ۹۴..... هم نیستم و هستم
- ۹۵..... کوی دلدادگان
- ۹۶..... مست و عاشق

- نفوذ عشق ۹۷
- من ذره ی بی ذره ۹۸
- بانگ رحیل ۱۰۰
- حسین (ع) ۱۰۱
- کمند زلف یار ۱۰۲
- افسوس ۱۰۳
- مطرب ۱۰۴
- ای یوسف بازار ما ۱۰۵
- قه ۱۰۶
- ی دلستانه ۱۰۸
- شوریده هست ۱۰۹
- عطر بهار ۱۱۰
- خویش ما تو بودی ۱۱۲
- قامت عصا ۱۱۳
- کجا می بری ۱۱۴
- شوق وصال ۱۱۵
- بتخانه ی تو ۱۱۶
- جدل با عشق ۱۱۷
- نوبت سرآمد این غزل ۱۱۸

مقدمه

بنام شعور هستی که جهان در دست قدرتمند اوست و زمان و مکان بی اختیار به سوی کمال مطلق در حرکت قرار داده است. به نام خالق عشق که سر لوحه وجود است و اگر لحظه‌ایی از جهان هستی پا برون کشد تمام کهکشانها به طرف لعینی در هم بیچد و در بی نهایت پراکنده گردد.

در این دفتر، مشق عشق در قالب غزلیاتی ارانه گردیده است و ضمیمه آن در قوانین ادبیاتی آن مشهود بوده و این حقیر بر آن وادارم. اما چون مشق است و شاگرد را هیچ خرجی بر غلطکاری نیست. دست به چنین جسارتی زده‌ام و امیدوارم آنان که استادین فن هستند بر این حقیر خورده نگیرند. این غزلیات خط سیر ناشناخته است که سوار بر اسب تقدیر، چوگان تمنا بر گوی آبرو می‌کوبد و تا فتح عیش وصال به پیش می‌تازد.

این اشعار را هدیه به کسی می‌کنم که مرا از کودکی، وقتی
که هنوز پاک و منزّه از جهان آلوده‌ی اطراف خویش بودم
در حلقه نجات و پاکی خود درآورد و چنان محسوس
و جودش شدم که اندیشه‌ایی جز او در ذهن من نبود و
عاقبت صاحب تقدیر ما را در کنار هم قرار داد. هر روز که
بی‌گذرد این عشق رنگ و بوی نوتری می‌گیرد، چنان که
بی‌او لحظه‌ایی را در آسایش نیستم و او کسی نیست جز
سر راه من، آن فرشته‌ی محبت و مهربانی.

عباس زارع میرک آبادی (عزم)

تابستان ۱۳۹۸